

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سروش
۰۸ مارچ ۲۰۲۲

هشتم مارچ نماد مبارزاتی زنان جهان

هشتم مارچ نمادبست مبارزاتی برای رهائی زنان ستمکش سراسر جهان. این روز را به همه زنان دنیا به ویژه به زنان ستمکش و زنان عذاب کشیده کشور خود مبارکباد می گویم. درود بر زنان شجاع، زنان پرشور انقلابی، زنان غرور آفرین، زنان ستمکش و رنجدیده میهن بلاکشیده ما.

ستمروائی بر زنان بخشی از ستم و مظالم چندگانه ایست که توسط ارتجاع و امپریالیسم و نهاد های مربوط به این دو نیرو اعمال می شود. ستم بر زنان امر جدیدی نیست. تحت ستم و بی حقوق بودن زنان زاده مناسبات تولیدی مبتنی بر مالکیت خصوصی طبقاتی و نقش غیراساسی زن در امر تولید نعمات مادی است. عوامل روبنائی متعدد سیاسی، فرهنگی، مذهبی، حقوقی و اجتماعی برخاسته از این مناسبات، در خدمت آن بوده است. این ستم ریشه در تاریخ و نظام های طبقاتی و سلطه کهن استعماری یا نواستعماری امپریالیسم دارد. آزادی زن در جامعه در گرو آزادی ملی و اجتماعی خلق زحمتکش و تحت ستم و استثمار در یک جامعه مستقل و رها از ارتجاع، از مالکیت خصوصی طبقاتی و سلطه استعمار، دست یافتنی است.

در امتداد تاریخ جامعه طبقاتی طی قرن ها و یورش های متعدد کشور گشایان و استعمارگران؛ در جامعه مستعمره و نیمه مستعمره ما از چندین دهه به این طرف استقلال ملی و آزادی اجتماعی توده های زن و مرد توسط سوسیال امپریالیسم، امپریالیسم و ارتجاع بومی هر مقطع سلب گردیده است. طبیعتاً حاکمیت های پوشالی خودساخته اشغالگران و متجاوزان که با برتری جوئی، قوم گرایی، نفاق افکنی، زن ستیزی، دانش ستیزی، دین پیرائی و بیگانه پروری باند های تبهکار "خلق و پرچم"، مجاهد، طالب و داعش – این گروهک های شکست خورده ستمگرو غارتگر که در نهاد شان ستمگری، شررافکنی، دزدی و چپاول نهفته بوده است – در امتداد زن ستیزی پارینه آگاهانه بر عزت و شرف زنان، و بر تمام حقوق حقه زنان و مردان تحت ستم تاختند و می تازند.

هر چند از گذشته های دور تا حال، در جامعه طبقاتی با نظام های اجتماعی – اقتصادی بردگی، فئودالی و نیمه فئودالی – نیمه مستعمره و مستعمره ما، در اجتماع افراطی زن ستیز، زنان ما بیشتر از مردان در معرض مظالم گونه گون قرار داشتند، ولی هیچ گاه جامعه مردسالار عقب نگه داشته شده و مذهب زده ما علاقه ای به داعیه برابری طلبی و امر رهائی زنان در کل و زنان مربوط به طبقات و اقشار زحمتکش و استثمارشونده به طور خاص، نداشت.

نگرش مذهبی و زن ستیز ارتجاع حاکم در نظام های استبدادی طبقاتی اساساً حقوق حقه انسانی زن به مثابه نیمه جامعه و نیروی کار و آفرینش را مثل حقوق سلب شده سائر زحمتکشان نادیده می گیرد. این مسائل در نظام های استبدادی ارتجاعی و مزدور مفهوم و منزلتی نداشته است. دولت های مرتجع وابسته به استعمار و امپریالیسم فقط در راستای منافع اربابان شان غلامی کرده و بر گرده خلق خسپیده اند، در حالی که این حق برای هر انسان آزاده با همین دو واژه ای که در يك واژه خلاصه می شود:

استقلال و این یعنی آزادی! برای هر انسان چه زن و چه مرد، بدون کدام تبعیض جنسیتی یا تبعیض با شعور و تفکرش، با جسم و جانش عجین شده است. آزادی برای هر بنی نوع، از نیاز های اولیه یک زیست انسانی است. اما آن چه امروز بر زنان و مردان ما در حاکمیت دار و تازیانه طالب می گذرد، ستم و جنایتی تحمیلی است که زبانه و دودش جامعه ما را به سرزمین سوخته مبدل کرده و توده های بی نوا، بی روزگار و بی پناه خلق کشور را به زندان و شکنجه، به کام مرگ و نیستی و فرار اجباری کشانده است.

با تعویض مهره های سوخته امپریالیسم اشغالگر در دولت خیانت ملی غنی فراری متعاقب شکست و رسوائی مأموریت اشغالگری امپریالیسم، این دشمن شکست خورده خلق ما با مسلط ساختن اجبران انتخاری طالبی با حربه دین، مذهب، قوم، زبان، ملیت و هزار و یک تعصب و تهر، تکروری، تمامیتخواهی، انحصارگری و زن ستیزی بر سرنوشت خلق کشور ما؛ این حاکمان پوشالی و برده منش، رهن، قاتل، جلاد، بنیادگرا و کوردل برخاسته از گورستان را با شرارت و سببیت تمام بر زنان، مردان و کودکان کشور ما مأمور ساخته اند تا با شکنجه این مردم ستمدیده و بی دفاع، ولی مغرور و سرافراز، از این مردم انتقام شکست و افتضاح جهانی خود را گرفته باشند؛ تا این خلق سلحشور از مبارزه علیه امپریالیسم چند روزی عقب بمانند و زحمتکشان کشور ما هنوز هم در بند ستم و استثمار طبقاتی به سر برده و زیر سیطره و ساطور طالبان خورد و خمیر شوند.

هشتم مارچ روز تجلیل از رشادت و ایثارگری زنان کارگر در امریکا در حالی در کشور ما فرا می رسد که زنان ستمکش افغانستان در تحت ستم چند لایه فاشیست ها و جلادان طالبی اسیر اند. با مسلط شدن فاشیست های طالبان بر سرنوشت مردم ما، از همان بدو امر زنان، دختران و خواهران ما به رسم زنان کارگر امریکا برای مقابله با سلطه و ساطور جلادان طالبی، سر پیچی از فرامین ضد انسانی و مسخره امارت ارتجاع اسلامی و برآوردن خواسته های شان از یوغ اسارت طالبانی، رهائی از ستم و کوراندیشی، از زن ستیزی، از محرومیت های که در قرون وسطی برای زنان به مادران و خواهران ما تحمیل می شد و... به خیابان ها ریختند و دست به اعتراضات و عصیان زده اند. این عصیان و اعتراضات بحق در اشکال مختلفه توسط زنان و مردان مبارز کشور ما در هر کجا جریان دارد.

هشتم مارچ را که روزی برای آزادی و حق طلبی زنان است؛ به همه زنان مبارز، برای دختران شجاع به پاخاسته، برای زنان و دختران دربند کشور ما مبارک باد می گویم. آری تجلیل از این روز، روز همبستگی مبارزاتی زنان ملل جهان از قید بهره کشی و ستم استثمارگران و ستمگران است. بد بختانه امروز زنان تحت ستم کشور ما با جهول ترین و سبعی ترین جانیان، با زن ستیزان قرون وسطانی، با شیادان و عمال امپریالیست های جهانخوار مواجه هستند که همه اشکال به ارث رسیده ستم چندلایه بر زنان مظلوم را تشدید، نمایندگی و اعمال می کنند.

سازمان ها و نهاد های مبارز دموکراتیک، انقلابی و آزادیخواه ضمن این که این روز را گرامی داشته و پاسش می دارند، وظیفه دارند تا با تمام قوت از جنایات نابخشودنی، از خشونت علیه زنان، از شکنجه، از آزار و اذیت زنان از محدود کردن زنان در زندان حجاب اسلامی و چهاردیواری خانه و از محروم کردن حق کار، تحصیل و سائر فجایع و

جنایات رژیم دار و تازیانه طالبانی، بشریت و نیرو های مرفقی جهان را آگاه ساخته و همگام با زنان، مادران و خواهران رنجیده شان به مبارزه ادامه بدهند.

زنان در کشور ظلمت زده ما در چنگال های خونین امپریالیسم و ارتجاع منطقه و در گرو مزدوران زن ستیز و باند ستمگر ددمنش طالبان اسیر و در دام فرهنگ طالبانی، مردسالار و آداب و رسوم فرتوت و ارزش های پوسیده و ارتجاعی مذهبی و بدوی گرفتار اند. طوری که نظام سرمایه داری در همدستی با ارتجاع دینی و مذهبی زمینه ساز و عامل بدترین شیوه ممکنه ستمگری علیه کشور و خلق زحمتکش و ستمکش ما به شمول زنان تحت ستم کشور ما بوده هستند: با محروم کردن زنان افغانستان از حق آموزش، حق آزادی، حق کار، حق همسر گزینی، حق حاکمیت بر تن و بدن و حق انتخاب نوع لباس و... تهاجمی افسارگسیخته و خصمانه را بر حریم زندگی اجتماعی و حقوق انسانی زنان محصور در چهاردیواری خانه و زندان حجاب، به راه انداخته اند. با این تهاجم شلاق بدستان طالبی با شلاق و تازیانه، با سنگسار، تجاوز و... جان زنان مظلوم میهن، فرزندان و شوهران شان در امان نیست؛ جان می دهند و عذاب می کشند. زنان ستمکش کشور ما مثل مردان ستمدیده در زیر چتر حکومت دار و تازیانه و جانیان وحشی طالبان - این تاراجگران مال، جان و ناموس هم مهینان ما با اغماض و بی تفاوتی امپریالیست های جنایتکار امریکا - ناتو، تحت حمایت مستقیم آی اس آی و درازدستی گروه دیگری از امپریالیست های توسعه طلب چین و روسیه با دول مرتجع متحد شان، به جان آمده اند.

توحش، ددمنشی و لگام گیسختگی جانوران و گرگاه دهن دریده طالبانی مزدور، مرتجع و زن ستیز را که در اشکال مختلفی از خشونت و بی رحمی، زنان و دختران معصوم را مورد آزار، اذیت و خشونت و شکنجه قرار می دهند و در نیمه شب ها از خانه و کاشانه شان می ربایند و مورد شکنج جسمی و روحی و خشونت و آزار جنسی قرار می دهند و در مجموع کشور را به زندان و جهنم سوزانی برای باشندگانش مبدل ساخته اند، فقط با قهر متشکل می توان پاسخ گفت. باید از همین اکنون که نیروی عامل قهر متشکل در میدان نیست، به اشکال و ذرایع ممکن در برابر این هیولا به پا خاسته و در نهایت خود وحوش طالبان را همراه با دره و تازیانه و نسخه طالبانی "قوانین اسلامی" امارت آن را که شخصیت کامل به زن قائل نیست و وی را نیمه مرد می داند و سزاوار تجاوز و تعدی و بر مجموع خلق ستم روا می دارد، به موزیم تاریخ در جمع آثار عتیقه سپرد.

ما امروز شاهد جنایات نابخشودنی رنگارنگی در کشور خود هستیم که در حق زنان انجام می شود. این درست نیرو های ارتجاعی بومی و حلقات و باند های جانی با افکار، نهاد ها و ارزش های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی منسوخ و میرنده در دورن و بیرون از حاکمیت طالبی چنان با ستم بر زنان و مادران ما به مثابه یک برده خو گرفته و برخورد می کنند که گویا برای خرید و فروش زاده شده اند. همین افکار و ارزش های ضد انسانی، مردسالار و زن ستیز ذهنیت توده ها را نیز مشوب ساخته است.

طالبان همان جانینی اند که کمافی سابق انفاذ قوانین خشن و من درآوردی شان را به هیچ وجه کنار نگذاشته، دو باره کشور ما را به يك جزیره وحشت و دهشت مبدل کرده اند. همان طوری که طالبان وحشی در دوران حاکمت خونین و قهار دره و تازیانه شان در دهه نود میلادی با زنان افغانستان از دید و ذهنیت دیوبندی، وهابیت، سلفیت و... برخورد می کردند و در برابر زنان افغان تفکر متهمرانه شان را بازتاب می دادند و زنان را محصور در خانه و از حق تحصیل و سائر حقوق شهروندی محروم نموده بودند؛ بار دیگر نیز با همان دید مکر طالبی با همان نقاب و شلاق، با همان سببیت، با همان چهره های هولناک بر زنان و دختران جامعه ما ستم بیشتری روا داشته و مردم ما را اعم از

زنان و مردان جفاکش، در چنبر استبداد سنت های متروک و تحت قیودات متعصبین و بنیادگرایان مذهبی که بخشی از ستم و حاکمیت طبقاتی و امپریالیستی است، در آتش جهنمی شان می سوزانند.

آری همین زنان اسپر هموطن ما هستند که در معرض اسارت، تجاوز، ستم، تبعیض و خشونت عنان گسیخته ارتجاعی همین نظام برده منش قرون وسطائی نومستعمراتی - طبقاتی قرار دارند. به یقین که همه روزه در هر گوشه ای از کشور شاهد جنایات پیدا و پنهان این تبهکارانیم که در حق زنان و "مادران" آزاده میهن ما انجام می دهند. زنان زحمتکش افغانستان از چنگال دلالان و لاشخوار و مزدوران اجاره ئی امپریالیسم جنایت پیشه، این باند های مرتجع و خودفروخته طالبی و داعشی رهائی نخواهند یافت، مگر این که خود شان به دفاع از حقوق و آزادی خود همدست با برادران ستمکش خود به پا برخاسته و تا پای جان در کنار مردان مبارز کشور خود بایستند و برزمنند. مطالبه آزادی زنان افغان برای کسب جایگاه حقوقی برابر با مردان، بخشی انفکاک ناپذیر از مبارزه رهائیش و انقلابی زحمتکشان و نیرو های انقلابی، دموکراتیک و ملی کشور ما علیه ارتجاع طالبی و امپریالیسم است. هر گونه مبارزه پیروزمند زنان برای رهائی و برابری باید از این کانال بگذرد. مطالبه رفورمیستی زنان در چهارچوب نظام نومستعمراتی - ارتجاعی موجود، یا از طریق مطالبات رفورمیستی و فمینیستی مزدوران مدنی امپریالیسم، نه راه حل معضل زنان و دوی درد آنان است و نه به تغییر بنیادی وضعیت اسفبار جاری زنان ستمکش کشور ما منجر می شود.

آزادی زنان در گرو آگاهی و انسجام مبارزاتی آنان است!

نیرومند باد مبارزات حق طلبانه زنان افغان!

مرگ و نفرین بر زن ستیزان طالب، مجاهد و داعش و اربابان امپریالیستی شان!